

البسه های از جنگ برگشته!

8 فروردین 1401

نگاهی به کتاب “حوض خون”

**** حسن شکیب زاده**

کتاب ۵۰۴ صفحه ای “حوض خون” روایت ۶۴ نفر از بانوان اندیمشکی درباره فعالیتشان از رختشویی لباس های از جنگ برگشته ی رزمندگان در طول دوران دفاع مقدس است. کتابی که اولین مصاحبه اش ۲۱ تیرماه ۱۳۹۴ انجام شد و سرانجام پس از شش سال، عصرگاه بیستم تیرماه سال ۱۴۰۰ رونمایی و به گفته انتشارات “راه یار” تا پایان همان سال به چاپ هشتم رسید. پرداختن به این ناگفته‌ی جنگ ایران و عراق، آن هم توسط اعضای تیمی که امور شناسایی بانوان ایثارگر، گفت و گوها، تدوین، تالیف و انتشار آن را بر عهده داشته اند. قطعاً کار راحت و آسانی نبوده است. آن هم پس از گذشت چهار دهه از وقایع بزرگ جنگ تحمیلی که هنوز هم بسیاری از آنها مغفول واقع شده است.

پرداختن به این بخش از رخدادهای دوران جنگ تحمیلی نشان از وجود ناگفته های بسیاری دارد که بخصوص نقش ارزشمند بانوان را بیش از پیش آشکار نموده و اهمیت پرداختن به آنها را یادآور می شود. به طوری که این کتاب فقط پاسخی کوتاه و ناچیز به بدهکاری اهل فرهنگ و هنر به عوامل موثر پیروزی های رزمندگان در طول دوران جنگ هشت ساله ی ایران و عراق به حساب می آید. با توجه به اینکه در این کتاب ۶۴ نفر راوی، خاطرات خود را از تنها رختشویخانه ی یک شهر روایت کرده‌اند، به طور طبیعی باعث تکرار وقایع زیادی شده است. به طوری که کلمات کلیدی “رختشوی خانه”، “حوض خون”، “بوی وایتکس” و یا پیدا شدن “تکه‌های گوشت” یا “استخوان” از لای پتوها و لباس‌های مجروحان، آنقدر تکرار شده است که گاهی ترمز مطالعه ی کتاب را می کشد. البته تنها ویژگی این کتاب که باعث ادامه ی خوانش آن می شود، نشان دادن درونیات تک تک راویانی است که مرور دغدغه های شان کمتر از کار ارزشمندی که انجام می دهند نیست. بانوانی که علی رغم همه ی مشکلات ریز و درشت شخصی که در آن دوران دارند، شستشوی البسه رزمندگان را ادای دین می دانند و از بسیاری از نعمات و مشکلات زندگی عبور می کنند تا خود را شکست خورده ی این امتحان بزرگ ندانند.

به واقع نویسندگان این کتاب به نوعی از پرداختن به روایت‌های کلی عبور کرده و با ورود به لایه های درونی بانوان رختشوی اندیمشکی، همه ی دغدغه های شان را به تصویر کشیده اند. که همین مهم زمینه ی خوانش کتاب تا آخر را فراهم می سازد.